

سخنرانی خادم‌اللّٰه مهاتماً بین البرایت وزیر خارجه امریکا

در کنفرانس مربوط به روابط ایران و امریکا

وشنگتن ۱۷ مارس ۲۰۰۰

با تشکر از استاد امیراحمدی، جناب سفیر پلترو، هیئت دیپلماتیک، همکاران محترم، میهمانان و دوستان.

کنفرانس امروز منعکس کننده گردهمایی تعداد زیادی از سازمان‌ها است که نه تنها منحصر به شورای ایران و آمریکا نیست، بلکه شامل انجمن آسیا، انسیتیوی خاور میانه و کالج امور خارجه دانشگاه جورج تاون نیز می‌باشد. اندوخته تجربی عظیمی در این مکان موجود است که شهادت به اهمیت ایران می‌دهد.

همانطور که حاضرین در این جلسه بخوبی می‌دانند، ایران دارای یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های متداوم دنیا است که شامل غنی ترین و متنوع ترین فرهنگ‌های جهان است. و قلمرو آن شامل نیمی از سواحل خلیج فارس و یک سوی تنگه هرمز است که از میان آن مقدار معنابهی نفت تجاری دنیا عبور می‌کند.

دریای خزر، قفقاز و مرکز و جنوب آسیا با ایران هم مرز می‌باشند، منطقه‌ای که مقدار زیادی از مواد مخدر غیر قانونی دنیا را تولید می‌کند، چندین گروه عمده تروریستی در آنجا مستقر هستند و ذخائر عظیم نفت و گاز در شرف استخراج می‌باشند. و در حال حاضر ریاست کنفرانس اسلامی را بعده دارد.

ترددیدی نیست که مسیر آینده ایران نقش اساسی در مسائل اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای را که بسیاری از جهانیان به درستی آنرا مرکز دنیا می‌دانند

بازی خواهد کرد.

بنابراین فرصت را برای گفتگو در باره روابط بین ایالات متحده و ایران مغتنم می دارم. امیدوارم که مناسب باشد این مهم در استقبال سال نوی ایرانی و آغاز بهار انجام گیرد و می خواهم با گفتن تبریک سال نو به آمریکائیان ایرانی تبار صحبت را آغاز کنم، عید شما مبارک. برای ایرانیان بروز مرزی نیز سال نو خوشی را آرزو می کنم.

بهار فصل امید و نو شدن و کاشتن بذرهای برای محصولات تازه می باشد، و امید من براین است که ما بتوانیم هم در ایران و هم در ایالات متحده بذرهای برای روابط بهتر سالهای آتی بکاریم. و این دقیقاً دورنمایی است که امروز می خواهم راجع به آن با شما صحبت کنم.

برکسی پوشیده نیست که به مدت دو دهه اکثر آمریکائیان، ایران را عمدتاً از دیدگاه اشغال سفارت ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ دیده اند که با گروگانگیری، شعارهای نفرت انگیز و سوزاندن پرچم ایالات متحده همراه بوده است.

در طی این سال ها این دیدگاه تیره و تاریک با اختناقی که دولت ایران در داخل کشور بوجود آورد، و حمایت از تروریسم درخارج از کشور و با همیاری با گروههایی که با خشونت با روند صلح خاورمیانه مخالف ورزیده اند و با اهتمام برای بدست آوردن قابلیت سلاح های هسته ای تقویت شده است.

عکس العمل آمریکا سیاست انزوا و سد نفوذ ایران بوده است. ما سخنان رهبران ایران را که به آمریکا به چشم دشمن نگاه می کردند می شنیدیم و در نتیجه مجبور بودیم که با ایران به مثابه یک خطر بالقوه رفتار کنیم.

لیکن، پس از انتخاب رئیس جمهور خاتمی در سال ۱۹۹۷، ما تغییراتی را در دیدگاهمان نسبت به ایران به وجود آوردهیم. با وجودی که سیاست های اعتراض برانگیز خارجی ایران تقریباً ثابت باقی مانده است، پویایی سیاسی و

اجتماعی درون ایران به وضوح شروع به تحولاتی کرده است.
درپاسخ، پژوهیدنست کلینتون و من، فراخوان رئیس جمهور جدید ایران را برای
گفتگوی بین مردم دو کشور استقبال کردیم.
ما تماس های علمی، فرهنگی و ورزشی را تغییب نمودیم.
ماتوصیه های خود را برای آمریکائیانی که مایل به سفر به ایران هستند تغییر
دادیم.

ما تمایل خود را نسبت به گفتگوهایی با ایران که رسماً به تصویب رسیده
باشند درمورد موضوعات اصلی مورد توجه طرفین دو جانبه اظهار داشتیم.
و گفتیم که تحولات آتی درآن کشور را دقیقاً پی گیری خواهیم کرد و این
همان کاری است که انجام داده ایم، و حالا به این نتیجه رسیده ایم که زمان
آن فرا رسیده است که دیدگاه مان را هرچه بیشتر توسعه دهیم، زیرا روند هایی که
در درون ایران بروز کرده اند به وضوح بر سرعت شان افزوده می شود، جوانان
ملکت، پیشتاز حرکتی هستند که هدف آن جامعه ای بازتر و برخوردار انعطاف
پذیرتر با جهان است.

زنان ایران خود را از نظر سیاسی در زمرة فعال ترین و مقتدر ترین زنان منطقه
قرار داده اند. بازگانان نوپا مشتاق برقراری روابط موفقیت آمیز با خارج هستند.
روحانیون محترم بطور فزاینده درباره هماهنگی اسلام با حرمت و آزادی،
تجدد سخن میکویند. مطبوعاتی که بطور فزاینده اعتماد به نفس پیدا کرده اند
علی رغم تلاش هایی که برای خاموش کردن آنها صوت می گیرد در صحنه
ظاهر می شوند.

و ایران نه یک بار بلکه سه بار انتخابات هرچه بیشتر دموکراتیک را در سه
سال تجربه کرده است. تعجب آور نیست که این رویدادها با مخالفت سرسختانه
از بعضی مراکز روبرو شده اند و روندی را که در پیش گرفته اند تا تکامل راه
بسیار دارد.

مجازات های خشن هنوز برای ابراز مخالفت اعمال می شود. آزار و اذیت به

بهائیان و همچنین به برخی از ایرانیان که به مسیحیت گرویده اند ادامه دارد. دولت های سراسر جهان منجمله دولت ما نگرانی خود را در لزوم تأمین روند قانونی در مورد ۱۳ کلیمی ایرانی که متجاوز از یک سال است که بدون هیچ اتهام رسمی دستگیر شده اند و اکنون محکمه آنها به ماه آینده برنامه ریزی شده است ابراز کرده اند. ما به روای نتیجه این محکمه به عنوان یکی از میزان سنگی های روابط ایران و ایالات متحده می نگریم.

مضافاً در پائیز ۱۹۹۸ چندین نویسنده و ناشر برجسته ظاهرآ توسط عوامل خودسر قوای امنیتی ایران به قتل رسیدند و درست در آخر هفته گذشته یک سردبیر برجسته که مشاور رئیس جمهور خاتمی نیز می باشد در جریان یک ترور به شدت مجروح شده است.

حریانات متعددی در ایران همانند هر جامعه متنوع در حال حرکت هستند. بعضی از آنها کشور را به پیش می بردند و بقیه آنرا از پیشرفت باز می دارند. علی رغم روند به سوی دمکراسی، کنترل ارتش، قوه قضائیه، دادگاهها و پلیس در دست افراد غیر منتخب باقی مانده است، و عوامل سیاست خارجی که ما درمورد آنها بیشترین نگرانی را داریم بهبودی نیافته اند. اما حرکت در مسیر اصلاحات داخلی، آزادی و فضای باز در حال تقویت است.

بطور فزاینده ای ایرانیان هراسی از توافق با ارزیابی پانزده ماه قبل رئیس جمهور خاتمی ندارند که گفته است : «آزادی و تنوع افکار امنیت جامعه را تهدید نمی کند بلکه محدود کردن آزادی باعث آن خواهد شد. انتقاد از دولت و سازمان های دولتی در هر سطحی زیانی به نظام نمی رساند، بر عکس امر لازمی است».

وزش نسیم دمکراتیک در ایران بسیار خوشآیند است و بسیاری از عقاید بیان شده توسط رهبران آن بقدرتی دلگرم کننده است که این خطر وجود دارد که از آنچه که واقعاً هست آن را بیشتر بپنداشیم. مطمئناً انگیزه اولیه برای تغییر،

ایدئولوژی نیست بلکه واقع بینی است. ایرانیان زندگی بهتری می خواهند. آنها آزادی اجتماعی وسیع تر، مسئولیت پذیری بیشتر دولت و رفاه گسترده تری می خواهند. علی رغم احیای قیمت های نفت، اقتصاد ایران گرفتار عدم کارآیی، فساد و کنترل شدید دولت است. به علت عوامل جمعیتی، میزان بیکاری بالاتر و درآمد سرانه از بیست سال پیش پایین تر است.

نهایتاً ایران برمنای شرایط خود دگرگون می شود و به این روند ادامه خواهد داد. اگر دمکراسی ایران شکوفائی بیشتری پیدا کند، یقیناً خصوصیات متفاوت خود را خواهد داشت که منطبق با سنت ها و فرهنگ کشور است و همانند هر تکامل سیاسی و اجتماعی شکفت انگیز با سرعت خاص خود براساس جدول زمان بندی که ایرانیان برای خود تنظیم می کنند پیش خواهد رفت. سؤالی که ما با آن روبرو هستیم این است که چگونه به تمام اینها پاسخ دهیم، در سطح گفت و گوی مردم با مردم پیدا کردن این پاسخ ها مشکل نیست.

آمریکائیان باید به استقبال خود ادامه دهند.

موارد زیادی هست که ما باید از ایرانیان یاموزیم و ایرانیان از ما. ما باید برای گسترش و توسعه تبادلات خود تلاش کنیم. ما باید ایرانیان دانشگاهی و رهبران جامعهٔ مدنی را در مورد منافع در بارهٔ نظر دوجانبه درگیر کنیم.

و البته باید سعی بیشتری در توسعهٔ مهارت های بازی فوتبال خود مبذول داریم.

چالش پاسخگویی به ایران در سطح رسمی پیچیده تر است، و نیاز به گفتگو دارد گفتگو نه تنها درمورد نظریات کنونی و امیدهای آینده بلکه تا حدی راجع به گذشته پرتوانم.

در بهترین حالت روابط ما با ایران با پیویندهای گرم دوستانه مشخص شده اند.

در طی سال ها ما هزاران معلم، پژوهشکار، داوطلبان سپاه صلح و سایر آمریکائیان نیرو و خسن نیت خود را برای بهبود و بهزیستی مردم ایران بکار برده اند.

همانطور که در این گردهمایی مشهود است ایرانیان نیز ایالات متحده را غنی تر ساخته تقریباً یک میلیون آمریکایی ایرانی تبار کشور ما را خانه خود کرده اند. بسیاری از ایرانیان دیگر که در اینجا تحصیل کرده اند بازگشته اند تا دانش خود را در زادگاهشان بکار گیرند. در واقع بعضی از آنها جزو بهترین شاگردان من بودند در زمانی که من در کالج امور خارجی دانشگاه جورج تاون تدریس می کردم.

بنابراین باعث تعجب نیست که وجه اشتراک بسیاری بین مردم ما وجود دارد. هردو آمریکا، سربلند، پای بند به خانواده، آگاه به معنویات و سرخтанه مخالف سلطه خارجی هستند.

اما آن وجه اشتراک هر از چندگاهی بوسیله عواملی متزلزل شده است. ایالات متحده در سال ۱۹۵۳ نقش مهمی در سازماندهی سرنگونی نخست وزیر محبوب ایران محمد مصدق بازی کرد. دولت آیینه اور براین باور بود که اعمالش بخاطر دلایل استراتژیک قابل توجیه است اما کودتا بطور واضح شکستی برای پیشرفت سیاسی ایران بود، و اکنون به سادگی قابل درک است که چرا بسیاری از ایرانیان هنوز از این مداخله آمریکا در مسائل داخلی خود بیزارند.

علاوه بر این در عرض ربع قرن بعد آمریکا و غرب از رژیم شاه پشتیبانی مستمر کردند. با وجود اینکه دولت شاه در توسعه اقتصادی کشور بسیار کوشش کرد ولی در عین حال مخالفت های سیاسی را به شدت سرکوب نمود.

همانگونه که پرزیدنت کلینتون گفته است، ایالات متحده باید سهم عادلانه ای از مسئولیت را در مورد مشکلاتی که در روابط ایران و ایالات متحده به وجود آمده است بعهده گیرد. حتی در سال های اخیر جنبه هایی از سیاست ایالات متحده در مورد عراق هنگام درگیری آن دولت با ایران متأسفانه کوتاه بینانه بوده

است، بخصوص با درنظر گرفتن تجربیات بعدی که ما با صدام حسین داشتیم. به هر حال ما نیز فهرست گلایه های خودمان را داریم، و آنها جدی هستند. اشغال سفارت نقض بی شرمانه مسئولیت های بین الملی ایران و همچنین ضربه روحی به گروگان ها و خانواده آنان بود، و آمریکائیان بی گناه و دوستان آمریکا توسط گروههای تروریستی که از جانب حکومت ایران حمایت می شوند به قتل رسیده اند.

در حقیقت، کنگره اکنون مشغول بررسی لایحه ای است که برای جبران ضررهايی که به شهروندان آمریکا بوسیله اعمال تروریستی وارد شده است، توقیف سرمایه های دیپلماتیک و سایر سرمایه های ایرانی را لازم الاجرا می کند.

ما در حال حاضر مشغول همکاری با کنگره به منظور پیدا کردن راه حلی هستیم که ضمن ارضای تقاضاهای عادلانه در این کار بدعتی گذاشته نشود تا ایالات متحده را در زمینه اموال دیپلماتیک و یا سایر دارایی ها به خطر بیاندازد و یا امکان گفتگوی موقبیت آمیز با ایران را نابود سازد.

در واقع ما براین باور هستیم که بهترین راه برای پرهیز از وقوع تراژدی های مشابه درآینده این است که تغییر در سیاست های ایران را تشویق نمائیم، و با شیوه ای متعادل و دوجانبه برای تقلیل اختلافات بین دو کشور تلاش کنیم. نه ایران و نه ما می توانیم گذشته ای را که اثر سوئی بر هر دوی ما داشته است فراموش کنیم.

اما سؤالی که هر دو کشور با آن مواجه هستند، این است که آیا باید اجازه داد تا گذشته آینده را منجمد کند، و باید راهی برای کاشتن بذرهای یک رابطه جدید پیدا کرد که هر دو طرف را قادر به بهره وری از منافع مشترک در سال های آتی کند نه تراژدی های بیشتر.

مسلمانه به نظر ما موانعی را که یک رهبری با درایت و مطمئن نتواند از سر راه بدارد، وجود ندارد همانطور که برخی از ایرانیان متذکر شده اند، ایالات متحده روابط صمیمانه ای با برخی از کشورها دارد که از ایران کمتر دمکراتیک

هستند.

ما هیچ قصد و میلی به دخالت در امور داخلی ایران نداریم.

ما اذعان داریم که اسلام در میراث فرهنگی ایران نقش مرکزی دارد و هیچ اختلاف ذاتی بین اسلام و ایالات متحده مشاهده نمی کنیم.

علاوه براین ما شاهد تعداد روز افزونی از منافع مشترک هستیم. مثلاً، ما هردو در آینده صلح و ثبات خلیج سهیم هستیم. ایران در یک منطقه خط‌روناک قرار دارد. ما از تلاش‌هایی که خطر را کاهش دهد استقبال می کنیم و مذاکرات منطقه‌ای را که هدف‌ش کاهش تنش و اعتماد سازی باشد تشویق می کنیم. هردو کشور ما در منازعات و چالش‌هایی که توسط رژیم بی قانون عراق آغاز شده است جنگیده ایم، و در صورت جلوگیری از تجاوزات عراق هردو بهره‌مند خواهیم بود.

همچنین هردو در مورد عدم ثبات و صدور مواد مخدر غیر قانونی از افغانستان نگران هستیم. ایران بهای سنگینی برای درگیری‌های مداوم آنچا می پردازد و تاکنون هزاران ایرانی در مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر کشته شده اند. به علاوه ایران مدت مبتدی است که مهماندار قریب دو میلیون پناهنه از جنگ داخلی افغانستان می باشد. علاوه براین ایران اکنون رهبری دنیا را در مقدار مواد مخدر غیرقانونی که سالانه ضبط می شود دارد. این یکی از زمینه‌هایی است که همکاری روز افزون ایالات متحده و ایران درآن به روشنی به نفع هر دو کشور است. ولی موارد بیشمار اشتراک منافع بالقوه دیگری نیز وجود دارد و از آن جمله است، تشویق روابط پایدار بین ارمنستان و آذربایجان، توسعه اقتصادی منطقه‌ای، حفظ اماكن تاریخی فرهنگی، و حفظ محیط زیست.

بنابراین امکان یک رابطه عادی و سودمند مشترک وجود دارد. اما این اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه ایران دید خود را نسبت به روابط با امریکا توسعه دهد، همانگونه که ما به گسترش نظر خود نسبت به ایران ادامه می دهیم. وقتی که ما با تروریسم و تکثیر هسته ای مخالفت می کنیم، ضوابطمن صرفاً

آمریکایی نیست بلکه جهانی می باشد. این استانداردها برای حفاظت مردم مطیع قانون در تمام کشورها است، و منعكس کننده تعهداتی است که بیشتر ملت ها، از جمله ایران، داوطلبانه پذیرفته اند.

وقتی که ما تلاش می کنیم که پیشرفت روند صلح خاور میانه را حمایت کنیم، منظورمان خدمت به منافع و برآوردن آرزوهای دهها میلیون مردم است اعم از عرب و اسرائیلی و یا از هر طیف و ایمانی که باشند.

وقتی که ما راجع به حقوق بشر صحبت می کنیم، سعی نداریم که ارزش هایمان را تحمیل کنیم، بلکه فقط اصول مندرج در اطلاعیه جهانی حقوق بشر را تأکید می کنیم که بحسب آن مردم در هر نقطه ای مستحق آزادی های اساسی مذهب، بیان و حمایت مساوی قانون می باشند.

وقتی ما در مورد اهمیت یک گفتگوی رسمی با ایران صحبت می کنیم هیچ دستور کار سری نداریم و هیچ شرطی هم برای آن نمی گذاریم. انگیزه ما علاقه واقع بینانه مان در بردن این رابطه به سطح بالاتر است تا بتوانیم با استفاده از دیپلماسی مشکلات را حل کرده و به مردم هردو کشور منفعت برسانیم.

در ماههای اخیر رهبران ایران راجع به «سیاست تنفس زدایی» ملت خود صحبت کرده اند و آقای خرازی وزیر امورخارجه اخیراً گفته است که « ایران آماده است که به عنوان لنگر ثبات برای حل مسائل و بحران های منطقه ای عمل کند».

ایالات متحده اهمیت ایران در خلیج را قبول دارد و ما در گذشته شدیداً تلاش کرده ایم که روابط مشکل با بسیاری از کشورها را بهبود بخشیم. اعم از اینکه این روشی که ما به کار برده ایم تنفس زدایی، موافقت اصولی، گفتگوی سازنده و یا چیز دیگری نامیده شود.

ما آمادگی به کارگیری چنین سیاستی را اکنون داریم و می خواهیم با ایران همکاری کنیم تا آنچه را که رئیس جمهور خاتمی «دیوان بی اعتمادی» می نامد، از میان برداریم.

برای آنکه چنین اتفاقی روی دهد ما باید مایل باشیم به عنوان دو ملت مستقل و سرفراز با یکدیگر معامله کنیم و مسائلی که ما را از یکدیگر جدا نگاه داشته است را براساس منافع متقابل بررسی کنیم. به عنوان گامی در جهت پایین آوردن دیوار عدم اعتماد، من امروز می خواهم راجع به مسئله تحریم اقتصادی صحبت کنم. تحریم اقتصادی که ایالات متحده بر علیه ایران برقرار ساخت به علت نگرانی ما از تکثیر هسته ای آن دولت و هم چنین به سبب حمایت مقامات دینفود تهران از گروههای تروریست و از آن جمله از کسانی بود که با خشونت با روند صلح خاور میانه مخالفت می کردند و به آنها کمک مالی می نمودند.

تاکنون تحولات سیاسی در ایران باعث نشده که ارتش آن از تلاش متداوم خود برای دستیابی به تکنولوژی، مواد و کمک لازم برای گسترش سلاح های هسته ای دست بردارد. همچنین این تحولات باعث نشده که سپاه پاسداران ایران یا وزارت اطلاعات و امنیت از کارهای تروریستی دست بکشند. تا زمانی که این سیاست ها تغییر نکرده اند روابط کاملاً عادی بین دولت های ما امکان پذیر خواهد بود و تحریم های اصلی ما پابرجا خواهند بود.

مقصود از تحریم های ما تسريع تغییرات در سیاست های ایران است و آنها فی نفسه هدف غائی نبوده و نمی خواهند اشخاص غیر نظامی را هدف قرار دهند.

به همین دلیل سال گذشته من فروش لوازم یدکی مورد نیاز برای ایمنی هواییماهای مسافر بری غیر نظامی را که قبلًا به ایران فروخته شده بود و اغلب توسط آمریکائیان ایرانی تبار به منظور رفت و آمد به آن کشور مورد استفاده قرار می گیرد، تصویب کردم.

همین طور پوزیدنست کلینتون هم تحریم های مربوط به صدور مواد غذایی، دارو و وسایل پزشکی به کشورهای مورد تحریم از جمله ایران را تخفیف داد. من امروز اقدامی که آمریکائیان را قادر به خرید و وارد کردن قالی و مواد غذایی

مانند خشکبار و خاویار از ایران می کند را اعلام می دارم.

این گام یک پیشرفت در ادامه تعديل هایی است که ما سال گذشته در مورد (سیاست های خود) به وجود آوردهیم. همچنین هدف این است که به میلیون ها ایرانی صنعتگر، کشاورز و ماهیگیر که در این صنایع کار می کنند و به تمامی ملت ایران نشان به دهیم که ایالات متحده خصوصی با آنها ندارد.

در ثانی ایالات متحده راههایی را بررسی خواهد کرد تا موانع غیر لازم بر سر راه تماس بیشتر ایرانیان و آمریکائیان دانشمند، اشخاص حرفه ای، هنرمندان، ورزشکاران و سازمان های غیر دولتی را برطرف سازد.

ما بر این باوریم که این اقدام موجب بهبود پیوندهای تقاضم و اعتماد دو جانبه خواهد شد. ثالثاً، ایالات متحده آماده است که بر تلاش های خود^{۱۰}(درگسترش روابط) با ایران بیافزاید، با این هدف که نهایتاً حل و فصل کامل دعاوی حقوقی حل نشده بین دو کشور انجام پذیرد.

این صرفاً برای «آزاد کردن» دارائی ها نیست. پس از سقوط شاه، ایالات متحده و ایران در مود روندی برای حل دعاوی موجود از طریق دیوان داوری لاهه توافق کردند.

در سال ۱۹۸۱ قسمت عمده دارائی های ایران که در زمان بحران گروگانگیری ضبط شده بود به ایران برگردانده شد. از آن زمان تقریباً تمام دعاوی خصوصی از طریق دیوان لاهه حل شده اند.

هدف ما اکنون این است که دعاوی نسبتاً محدود ولی مهمی که بین دو دولت هنوز حل نشده اند را در لاهه حل و فصل کنیم و با انجام این مهم این مسئله را برای همیشه پشت سر نهیم.

این نکاتی را که امروز مطرح کرده ام و اقدامات سیاسی را که اعلام نمودم نمودار تمایل ما به پیشبرد منافع مشترکمان از طریق روابط بهبود یافته با ایران است.

این اقدامات در پاسخ به دیدگاه وسیع تری است که با روندهای دمکراتیک

در آن کشور امکان پذیر شده و امید ما براین است که این تغییرات داخلی به تدریج اثرات خارجی را به وجود خواهد آورد. به علاوه، هرچه ایرانیان آزادتر می‌شوند، آزادی خود را از طریق اعمالشان در حمایت از حقوق بین المللی و ثبات و صلح اعلام خواهند داشت.

باید تأکید کنیم که ما اگرچه دید بازتری در مورد جریانات داخل ایران اتخاذ کرده ایم، اما مسائلی را که مدت مديدة است باعث نگرانی ما بوده است هم از نظر دور نمی‌داریم.

ما از این امر استقبال می‌کنیم که ایران واقعاً به قول خود به عنوان «لنگر ثبات» عمل نماید و به تعهداتی که رهبرانش در مواردی چون تکثیر هسته ای و مخالفت با تروریسم کرده اند از حرف به مرحله عمل درآورند.

ما هیچ توهمندی نداریم که ایالات متحده و ایران بتوانند یک شبه بر چندین دهه بیگانگی خلبه کنند.

ما نمی‌توانیم یک رابطه معقول را بر روی قالی و غله بنا کنیم. اما طریق روابط ما از سرعت آن مهم تر است. ایالات متحده مایل است که صبورانه و قدم به قدم پیش رود و یا سریعاً حرکت کند به شرط اینکه ایران علاقه و تعهدی در این مورد نشان دهد.

سه شنبه آینده آغاز سال جدید در ایران و شروع بهار برای همگی ما خواهد بود.

اگر این حقیقت داشته باشد که برای همه چیز در زیر آسمان فصلی وجود دارد، پس یقیناً زمان آن رسیده که آمریکا و ایران وارد فصل نوینی شوند که در آن اعتماد دو جانبه افزایش یافته و کیفیت گرمی جانشین زمستان سرد و طولانی نارضایتی های متقابل گردد.

ما باید اذعان کنیم که امروزه شکاف بزرگی در دنیا بین شرق و غرب و یا شمال و جنوب نیست؛ هم چنان که اختلاف بین یک تمدن با تمدن دیگر نیز وجود ندارد.

امروز اختلاف عظیم در هر نقطه بین مردمی است که هنوز در گیر دیدگاهها و تعصبات گذشته می باشند و آنهایی که خود را آزاد کرده اند و از وعده های آینده استقبال می نمایند، می باشد.

من امروز صبح از طرف دولت و مردم ایالات متحده، از ایران می خواهم که در نوشتن یک فصل جدید در تاریخ مشترکمان به ما به پیوندد.

بیاید راجع به اختلافاتمان صریح باشیم و بکوشیم که برآنها غلبه کنیم.
بیاید منافع مشترکمان را تأیید کنیم و در پیشرفت آنها بکوشیم.

بیاید جسورانه راجع به امکانات آینده فکر کنیم و در دست یابی به آنها بکوشیم و بدین وسیله این سال و فصل نوی امید را تبدیل به یک واقعیت برای زندگی بهتر و امن تر برای هردو ملت بنمائیم.

در انجام این رسالت من امروز صبح تهدید می کنم که بهترین مساعی خود را بکار ببرم و با احترام درخواست مشورت، تقاضم و حمایت همگان را دارم.

با تشکر فراوان